

آینه های روبه‌رو

جایزه‌های برای آنان که «امید» دارند



■ در فضای روزنامه‌نگاری در ایران که می‌شود از آن به عنوان حرکت روی تیغ نام برد، ترسیم آینده شفاف، کاری دشوار است. آینده را غبار حوادث غیرقابل پیش‌بینی پر کرده و روزنامه‌نگار میان امیدواری و ناامیدی در آموشدند است. در چنین فضایی است که ارزش جایزه روزنامه‌نگاری «امید» که امسال شاهد برگزاری پنجمین دوره آن بودیم، بیش از گذشته قابل درک است. آنچه که باعث دوام روزنامه‌نگاری مستقل در روزگار ماست، تنها امید است و ناگمذاری جایزه‌ای به این نام که همسوا با آرمان و آرزوی بزرگ‌ار کنندگان آن است، ارزشی دوچندان دارد. خانواده بزرگوار زنده‌یاد «دکتر مهدی سمسار» از چند سال پیش قدم در راهی گذاشته‌اند که آن مرحوم سراسر زندگی پربار خویش را در جهت عمل به آن گام برداشت. کشف و معرفی استعدادهای جوان در عرصه روزنامه‌نگاری ایران برای پویا نگه داشتن این حرفه از آرزوهای بلند آن بزرگوار بود. بر همین اساس، برگزاری چنین رویدادی از سال ۱۳۸۵ جزئی از برنامه‌های خانواده دکتر سمسار قرار گرفت. از نکته‌های قابل توجه برند این جایزه، تنوع شاخه‌های روزنامه‌نگاری است که موفق به دریافت این جایزه شده‌اند. چنین نگرش جامعی این جایزه را فراگیرتر کرده و اعتبار قابل توجهی به آن بخشیده است. روزنامه‌نگاران جوان در رشته‌های مختلفی چون محیط:بست،بین‌الملل، سیاست و کارتون افتخار دریافت جایزه «امید» را داشته‌اند.امسال نیز دوست و همکار عزیزم «پرویز براتی» که از روزنامه‌نگاران حوزه هنرهای تجسمی در مطبوعات ایران است توسط بنیاد دکتر مهدی سمسار موفق به دریافت این جایزه شد. انتخابی که به گمان من هوشمندانه و بجا صورت گرفت. براتی در سال هایی که می‌شناسمش، روزنامه‌نگاری جست‌وجوگر و نواندیش نشان داده که بی‌حاشیه و با عشق به کارش پرداخته است. گفت‌وگوی او با چهره‌های داخلی و بین‌المللی هنرهای تجسمی و پوشش گزارش‌های اختصاصی از حراج‌های هنری و حتی انتشار کتاب و بسیاری موارد دیگر، او را شایسته دریافت این جایزه کرده است. ارج نهان به تلاش روزنامه‌نگاران جوانی که در شرایط حاضر، با تمامی موانع در ایران مانده و چراغ روزنامه‌نگاری را هرچند کمر‌قوی اما روشن نگه داشته‌اند، این نهان به آزادی و امید است. هر چند سال گذشته که از نزدیک شاهد تلاش‌های همسر بزرگوار دکتر مهدی سمسار بودم، شوق و دلدادی ایشان به جوانان روزنامه‌نگار را دیدم.احساسی که با «امید» گره خورده است.

گزارش هنری

افتاح کالری ایرانی در دویی با حضور «پرویز کلانتری» و «واحد خاکدان»

■ شرق: «ری را» به عنوان نخستین گالری ایرانی در منطقه DIFC دویی روز شنبه با رونمایی آثار سه نسل از هنرمندان معاصر ایران به طور رسمی افتتاح شد. به گزارش روابط عمومی گالری «ری را»، دیدار از این گالری و افتتاحیه نمایشگاه آن با استقبال چشمگیر هنرمندان وهنردوستان باملیت‌ها مختلف آسیایی، اروپایی و آمریکایی روبه‌رو شد. نمایشگاهی متنشک از نقاشی، نقاشیخط، مجسمه و عکس افتتاح‌کننده گالری «ری را» با موضوع «زمان» بود که دربرگیرنده حدود ۱۳ اثر از ۲۷ هنرمند است و در آن تاش شده گوشه‌هایی از هنر نوین ایران است. ۵۰ سال اخیر به روایت هنرمندان حاضر در این نمایشگاه ارائه شود. در حاشیه مراسم افتتاحیه، «پرویز کلانتری» – نقاش پیشکسوت – که دو اثرش از مجموعه «خط و ربط» و روی دیوار «ری را گالری» رفته است، در سخنان کوتاهی گفت: دویی «جاده راه ابریشم» امروزین شرق است که در آن تعاملات فرهنگی تجاری میان شرق و غرب ممکن شده است. او افزود: «ز این رو تائیس گالری ایرانی «ری را» در منطقه DIFC واقع ارایه هنر ایران در یک شهرکه جهانی است. «ری را» فرصت یافت قیمت ارایه آثار هنری ایران به دنیا را فراهم کرده است و از همین افتتاحیه نمایشگاه پیداست که قصد دارد جریان ادامه‌دار هنر ایران از دیروز تا امروز را به موازات هم به نمایش بگذارد که به یقین به شناخت وسیع‌تر دنیا از گونه‌گونی هنر امروز ایران می‌انجامد.»
علی دولتشاهی، رییس‌هیات‌مدیره شرکت «ری را» که موسس این گالری است، با اشاره به سابقه ۱۶ ساله این مجموعه در امر تبلیغات فرهنگی و هنری گفت: «مهم‌ترین نیاز هنر ایران، ارایه مناسب و تبلیغات حرفه‌ای و هدفمند است.» او تصریح کرد: «ری را گالری» با هدف پر کردن این خلا و نیز نمایش توانمندی گوشه‌های دیدنشدنه هنر ایران اسلامی با به عرصه گذاشته است و در صورت حمایت اهالی فرهیخته جامعه هنری امیدایم در سال‌های بعد و در افق‌های بلندتر، شعبه‌های دحور توجهی در قطر و حتی عرستان هم دایر کنیم.»
مهریم مقدم، مدیرعامل شرکت «ری را» نیز طی سخنان کوتاهی اعلام کرد: «ری را» حرفه‌های تازه‌ای درباره هنر ایران خواهد داشت. «واحد خاکدان»- دیگر نقاش صاحب‌سبک از نسل مبانی نقاشان معاصر ایران – در افتتاحیه «ری را» حاضر بود و می‌که با یک نقاشی از مجموعه «همای سیاه» در این نمایشگاه شرکت دارد. معتقد است: «ری را گالری» با فضایی مناسب مدرن و زیبایی که دارد، می‌تواند پایگاهی در خور توجه برای هنر ایران در خاورمیانه باشد.نخستین نمایشگاه گالری «ری را» با آثاری از آیدین آغاشلوه، پرویز کلانتری، فریدون آو، نصرالله افجهای، علی ششیرازی، رضا مافی، جعفر روجبخش، صفات جباری، مهرداد شوقی دوست،واحد خاکدان، نصرت‌الله سلیمیان، فریده لاشایی، مهرا ن علمی‌نیا، یعقوب امدادیان، بهمن جلالی، ملیکا شفاهی، مرضی پورصمدی، فریدون امیدی، مصطفی درمیانی، دانا نهاران، فاطمه امدادیان، صفا حسینی، آتوسا وحدانی، فرزات ربیعی جاه، هومن خردشنه و معصومه عبیری‌نیا تا یک ماه آینده در طبقه همکف DIFC دویی ادامه دارد.

شرق: «بهرام بیضایی» این روزها سرش شلوغ است. مهم نیست استاد تئاتر و سینما کجا باشد، مهم این است که او هیچ وقت کار هنری را به هیچ دلیل تعطیل نمی‌کند. حتی اگر در «استنفورد» آمریکا و درگیر تدریس تئاتر باشد گوشه‌چشمی به تئاتر و پژوهش‌هایش دارد. شاید به همین دلیل هم در روزی که قرار است تازه‌ترین کتاب پژوهشی او در ایران یعنی «هزار افسان کجاست؟» در خانه هنرمندان با پیام تصویری‌اش رونمایی شود، خبری از اجرای نمایش تازماش در دانشگاه استنفورد هم منتشر می‌شود. «جانا و بلا دور» تازه‌ترین اثر بهرام بیضایی است که با بازی «مژده شمسایی» با کمک یکی از تکنیک‌های تئاتر سنتی ایرانی یعنی سایه بازی به صحنه می‌رود. بیضایی در نمایش تازه خود بار دیگر شیوه دیگری از نمایش‌های فراموش شده آیین سنتی ایرانی را با استفاده از مضامین اسطوره‌ای و تلفیق شعر و موسیقی و عروسک به تصویر می‌کشد. «جانا و بلا دور» از ستیز و پیکار میان چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش روایت می‌کند که در نهایت به آفرینش جهانی تازه منتهی می‌شود.

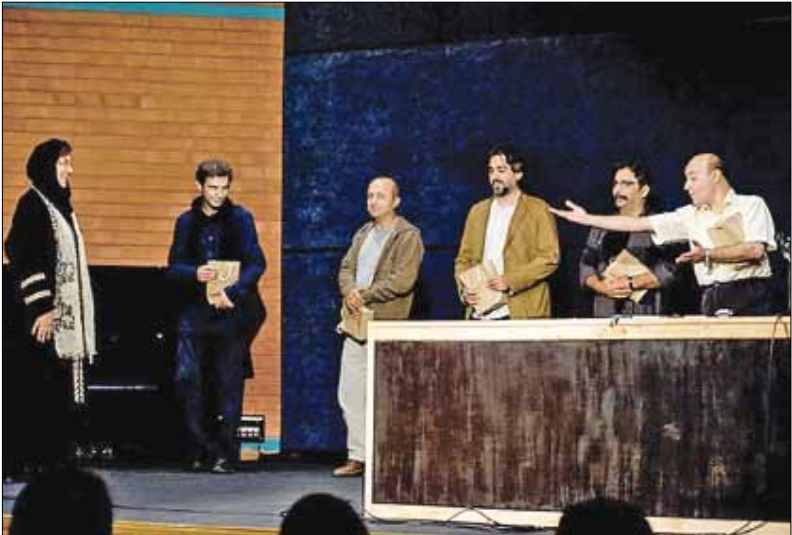
«جانا و بلا دور» برای نخستین بار به زبان فارسی (بهمراه بالاتویس انگلیسی) از ۲۷ تا ۳۰ تون (هفت‌تا دهم تیرماه) در سالن Cubberley Community Center در کالیفرنیا روی صحنه می‌رود. اما روز جمعه ۲۹ اردیبهشت‌سال ۹۱ در تالار استاد «جلیل شهنواز» خانه هنرمندان کتاب «هزار افسان کجاست؟» در حالی رونمایی شد که خاطره حضور جمع‌های سه‌سال پیشی را زنده می‌کرد. نسخه‌هایی که برای رونمایی کتاب آورده شده، با تخفیف ۲۰درصدی ۱۵هزار تومان بود. همه به فروش رفت. «هزار افسان کجاست؟»مجموعه پژوهش‌های بیضایی در سال‌های اخیر درباره ریشه‌های «هزار و یک شب» است و به نوعی اثبات این نظر که کتاب «هزار و یک شب» ریشه‌های ایرانی دارد و از زبان فارسی به فرهنگ‌های دیگر راه یافته است؛ موضوعی که بیضایی در نمایش شب‌به‌زار و یکم آن را مستند کرده و لایه لای نمایش آن را به تصویر کشید. این کتاب ۵۲۰ صفحه‌ای به گفته خود بیضایی در پیش‌خوانی کتاب پاسخ‌خی به سوالاتی است که در جوانی در ذهنش جرقه زده بود و حاصلش این کتاب است که به قول «شهلا لاهیجی» مدیر انتشارات «روشنگران و مطالعات زنان»، ناشر رسمی آثار بیضایی در مراسم رونمایی کتاب یکی از درخشان‌ترین آثار بیضایی به شمار می‌رود. البته لاهیجی این مراسم را رونمایی ندانست و گفت: «من با کمک رونمایی چندان موافق نیستیم، چراکه اصالت کتاب با پوشیدگی در مناقات است.»

از چند ماه پیش که «هزار افسان کجاست؟» مجوز انتشار گرفته بود، قرار بود خود بیضایی نیز در مراسم

ادب‌و‌هنر

کتاب در «تهران»رونمایی شد، نمایش در «استنفورد»اجرا می‌شود

بیضایی، احیاگر از یاد رفته‌ها



پیام بیضایی: قبل از هر چیز درود بر شما اصدای من را می‌شنوید. معمولاً باید گفت دلتنگم، دوری، غربت و از این حرف‌ها. خوشحال می‌شوید بگویم دلتنگم؟ آره هستند کسانی که تصمیم می‌گیرند. به هر حال خوشحالم که «هزار افسان کجاست» یکی از ۱۰ اثر من می‌شود. امیدوارم که خوانده بشود. امیدوارم دری به آسمان باشد. امیدوارم اشتباه بزرگی نکرده باشم. می‌دانستم که چه جاهایی را می‌خواستم بیشتر بروم یا به نتیجه دقیق‌تری برسم.برایم فصل جدیدی باز می‌شد؛ فصلی شاید برای خودش بلند. یک فصل دیگری باز می‌کرد و باز هم وجوه اصلی‌تری به معناشناسی اساطیری ایران بود؛ کاری که خودش یک کتاب بزرگی برای نوشتنش لازم بود. واقعا هزار افسان می‌شدد. سپاسگزارم از آقای «اسفندیار رسولی» عزیز که زحمت حرف‌چینی این متن دشوار را کشید و سختی‌های من را تحمل کرد. از «سامان خادم» که خیلی از یادداشت‌ها و تصویرها را از راه دور فرستاد. از «محمد رضایی‌راد» عزیز که در نبود من برای ویرایش نهایی کتاب و آخر کتاب وقت گذاشت. سپاسگزارم از «محسن ولیهی» برای کتاب آرای. از ناشر روشنگران و به‌ویژه خانم «لاهیجی» که حوصله ایشان هنوز از دست من سر نرفته است. من هنوز کتاب را ندیدم. اما دست مریزد. بالاخره سپاسگزارم از مژده عزیز و نیایاسان که خیلی وقت گذاشتند تا این کتاب سر گرفت و نباشد بی‌سر و سامانی. و البته سپاسگزارم از شما؛ همه‌شامی که اینجا جمع شدید و به امید شما می‌نویسم. باشد.باشید. اسم من «بهرام بیضایی» است.

شرکت کند، اما اجرای نمایش «جانا و بلا دور» و تدریس باعث شد تا او نتواند برای این مراسم به تهران بیاید. اما این دلیلی نبود که او از مخاطبان کتابش غافل بماند و صحبت‌هایش را در ویدیویی سه دقیقه‌ای فرستاده بود که در ابتدای این مراسم پخش شد.

بیضایی در این ویدیو با ابراز خرسندی از انتشار کتاب

در ابراز ابراز امیدواری کرد که کتاب خوانده است و کار

اصلی‌اش کشف اصل و ریشه‌های بنیادین‌هزار و یک شب بوده و اهمیت کتاب هم در تولید نظریه است. نکته جالب این است که بیضایی در کنار ارایه این نظریه‌ها

بودن و آشکار شدن صداهای سرکوب شده را مهم‌ترین ویژگی این کتاب دانست که جایگاه مهمی در ادبیات حاشیه‌ای ما داشته است: «کتابی که استوار بودنش به عنصر قصه‌گویی‌اش وابسته است اما متأسفانه یا به ریشه بنیادین آن توجه نشده است یا آن را عربی پنداشته‌اند.

به گفته رضایی‌راد: «بیضایی در»هزار افسان کجاست؟« به این مسایل توجه نداشته است و کار اصلی‌اش کشف اصل و ریشه‌های بنیادین‌هزار و یک شب بوده و اهمیت کتاب هم در تولید نظریه است. نکته جالب این است که بیضایی در کنار ارایه این نظریه‌ها

می‌گوید که این پایان همه حرف‌ها نیست و کسانی دیگر می‌توانند بر آن بیفزایند.»

«حمید امجد» سخنران دوم این مراسم بود که قرار بود بیشتر از بیضایی نویسنده و پژوهشگر صحبت کند. او ویژگی آثار بیضایی را با استفاده از نمونه‌هایی در چند بخش گفت. امجد درباره کتاب «هزار افسان کجاست؟» با بیان اینکه ما در این کتاب با تحلیل بنیادین متنی در ادبیات‌مان روبه‌رو هستیم، گفت: «کتابی که وجه مشترکی میان شش اثر پژوهشی و ۱۲۰ اثر هنری بیضایی است و ویژگی اصلی‌اش جامع الاطراف بودنش است، یعنی در ارایه نظریه به اسناد تصویری، شفاهی و مکتوب پایبند بوده است.»

به نظر حمید امجد: «بیضایی چون دانشمندی سعی کرده تکه‌های گم شده ایین ادبیات را یافته و کنار هم بگذارد و حتی در بخش‌هایی به کشف دست زده است. او در این کتاب حقیقت‌ها و سندهایی را پیشنهاد می‌دهد و اعلام می‌کند که کدام را یافته و کدام حاصل گمان

او با بیان اینکه بیضایی با استفاده از اسناد و مدارک تاریخی سعی می‌کند که به سوالات پاسخ دهد، نیز گفت: «او همیشه با احتیاط درباره اسناد صحبت می‌کند. در همین کتاب هم به قطعیت نظری را اعلام

می‌کند و با شکسته‌نفسی می‌گوید که این نظریه من است. او همیشه به دنبال طرح سوال‌هایی است که اصالت سندن را مورد تردید قرار دهد. مثل آن زمانی که در کودکی در مدرسه از معلم تاریخ پرسید چه کسی دیده است که «بزدگرد» را آسیایان کشته است؟ هرچند معلم آن زمان به او گفت بنشین، اما بعدها او خالق مرگ یزدگرد شد.»

امجد یکی از ویژگی‌های کارهای بیضایی را در تاریخ‌دانی او دانست و گفت: «در آفرش با زبان خطی روبه‌رو هستیم و نه زمان با گشت‌پذیر و اسطوره‌ای و همین مساله زمینه شناخت تاریخی مخاطب را نیز فراهم می‌کند. از این روی می‌توان بیضایی را شهردار زمانه ما به شمار آورد.»امجد از مرگ یزدگرد نام برد و گفت: «بیضایی همیشه به دنبال مردم عادی در میان تاریخ است و برای همین هم آثارش بیشتر از دید مردم عادی است.»این مراسم با برخوردانی بخشی از نمایشنامه «آرش»، یکی از مهم‌ترین آثار بیضایی، تقدیر از امجد و رضایی در حالی به پایان رسید که شهلا لاهیجی گفت: «سیمیای زن در آثار بیضایی تحولی دیگر یافته و زنان قهرمان او هم حامل فرهنگ هستند و بنابر این قهرمانی که به دوران شکست تعلق دارند. بنابر این هرگاه که اثری از او را می‌خوانیم، سرمان را کمی بلند می‌کنیم و می‌گوییم ما هم زن ایرانی هستیم.»

انصراف مهرجویی از داوری

ایستنا: «داریوش مهرجویی» از ریاست جشنواره «شانگاهی» به علت پروژه جدید خود انصراف داد. مهرجویی به جای خود «امیر نادری» و «بهمن فرمان‌آرا» را به عنوان داور به این فستیوال پیشنهاد داده که گفته می‌شود، امیر نادری به عنوان داور در این دوره از فستیوال شانگاهی حضور خواهد داشت.

اندی گارسیا هم «همینگوی» را می‌سازد



پرواز ۷۰۷ به صحنه نرسید



وزیر از رای دیوان عدالت خبر ندارد

مردم مشخص نشود.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به سوالاتی درباره پخش فیلم‌ها و سربلای‌های ایرانی در برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای با چراغ سبز شبکه‌نمایش خلنگی گفت:بعید می‌دانم فیلم‌ها و سربلای‌های ایرانی که در شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شود از شبکه‌نمایش خلنگی بیرون آمده باشد چون نظارت جدی در این زمینه انجام می‌شود. نقضی که از گذشته بوده این است که بیشتر اقدامات در تهران متمرکز است و اگر در شهرستان‌ها و نقاط دورافتاده آثار فرهنگی و هنری به صورت غیرمجاز کپی و توزیع شود مقابله جدی با آنها صورت نمی‌گیرد.» به گزارش اسپناوزیر ارشاد در حالی که به مجازات‌کنسلی که نسبت به تکثیر غیرمجاز فیلم‌ها اقدام می‌کنند تاکید داشت، در مورد رای دیوان عدالت اداری در زمینه خسارت وارده از سوی وزارت ارشاد به دلیل کپی و تکثیر نسخه قاچاقی فیلم «علی سنستوری» اظهار بی‌اطلاعی کرد. این گفته در شرایطی است که رای دیوان عدالت اداری درباره شکایت سازندگان فیلم «سنستوری» صادر بر اساس اصل ضرمن رد شکایت شد که در زمینه لغو ممنوعیت آثار و شکایت سازندگان این فیلم در حد تصدیق خسارت به آنان در نتیجه معافیت از اکران آن موجه تشخیص داده شد.با این همه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی براساس رای دیوان عالی عدالت اداری محکوم به پرداخت خسارت است.

ندا حسینی: گروه موسیقی بهارن به یاد استاد خود، زنده‌یاد «محمد نوری»، قطعاتی از این هنرمند ماندگار عرصه موسیقی پاپ-کلاسیک را به اجرا در آورده‌اند و برادیکر خاطره صدای مطین‌انداز اسطوره‌اژ آواز پاپ- کلاسیک را جاودانه کردند. سالن امفی تئاتر مرکزی دانشگاه «امیرکبیر» در یکی از روزهای واپسین اردیبهشت، میزبان علاقه‌مندان صدای محمد نوری بود و البته حضور سبز یار دیرین استاد، دکتر محمد سیر ماندگاری و شکوه این مراسم را دوچندان کرد. «محمد سریر» در گرمیاداشت خاطره محمد نوری، گفت: من حدود ۵۰ سال با ایشان همکاری کردم و به عقیده من آنچه موجب ماندگاری وی شدند، نگاه ویژه فرهنگی – هنری او به موسیقی بود. نوری در موسیقی هدف خاصی را دنبال می‌کرد که به واسطه آن بتواند تأثیر گذار باشد، به همین دلیل هم بود که پس از آن سلس ضمن رد شکایت شد که در زمینه لغو ممنوعیت آثار و شکایت سازندگان این فیلم در حد تصدیق خسارت به آنان در نتیجه معافیت از اکران آن موجه تشخیص داده شد.با این همه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی براساس رای دیوان عالی عدالت اداری محکوم به پرداخت خسارت است.



هفت هنر

«کن» شصت و پنجمین در چند سکانس

■ شصت و پنجمین جشنواره «کن» در حالی وارد روز پنجم خود می‌شود؛ روزی کمیسیون فرهنگی اتحادیه اروپا از «فرهادی» تقدیر می‌کند. به گزارش ششین هوا فیلم «مثل یک عاشق» کیارستمی سه شنبه ۲۲ می- ۲۰ خرداد – برای خبرنگاران در جشنواره فیلم کن، سالن «بوسوی» به روی پرده می‌رود. کیارستمی در دهمین حضورش در جشنواره کن هم‌چنان جزو خوش‌شانس‌ها محسوب می‌شود. شبکه تلویزیونی «فرانس ۲۴» با اشاره به اینکه «تالی مورتی» کارگردان ایتالیایی رییس هیات داوران جشنواره فیلم کن شده است، پیش‌بینی کرد که ممکن است تصمیم او مانند سال ۱۹۹۷ همه را شگفت‌زده کند. در آن سال رقابت نتگانتگی بین کیارستمی و «میکالی» کارگردان ژاپنی وجود داشت و در نهایت «تالی مورتی» نخل طلا را به‌طور مشترک به عباس کیارستمی و کارگردان ژاپنی داد. از آنجایی که امسال نیز کیارستمی با فیلم «مثل یک عاشق» در جشنواره کن حضور دارد و نالی مورتی باز هم رییس هیات داوران است، احتمال دریافت نخل طلایی برای بار دوم از دستن آن کم نیست؛ جایی که کیارستمی با کارگردانانی مانند «کن لوچ»، «میشل هانکه» و «جف نیکولز» ۲۲ فیلم رقابت می‌کند.

کن واقتباس‌های ادبی

ارتباط سینما و ادبیات در طول تاریخ ارتباطی ناگسستگی بوده از آنجا که هم سینما و هم ادبیات داستان را روایت می‌کنند هر دو به هم وابسته هستند؛ ارتباطی که گاهی موفق هم نبوده است زیرا بسیاری از شاهکارهای ادبی در برگردان سینمایی موفق نبوده‌اند و بسیاری از فیلم‌های سینمایی در مدیوم کتاب جا نگرفته‌اند. «ایسنا» گزارش می‌دهد بسیاری از فیلم‌هایی که در جشنواره امسال کن حضور دارند، براساس رمان‌های بار فروش دنیای ادبیات ساخته شده‌اند. برای امر مهر تأیید دیوارهای بر ارتباط دوسویه دنیای سینما و ادبیات است، به گزارش روزنامه گاردین، از میان آثار اقتباسی که امسال به بخش رقابتی جشنواره کن راه یافته‌اند، می‌توان به فیلم «در جاده» ساخته «والتر سالس» که براساس رمان «جک کرواک» ساخته شده، همچنین فیلم «لشموپولین» به کارگردانی «دنیوید کراننبرگ» که براساس رمان کلاسیک «دون دیلیلو» ساخته شده و فیلم «پسر کافزی» که «لی دانیلز» که آن را براساس رمان «بیت دکستر» کارگردانی کرده است اشاره کرد. فیلم‌هایی که در جشنواره امسال پسر و صدا بودند و فیلم‌نامه‌هایشان براساس اقتباس‌های ادبی نوشته شده‌اند. اقتباس‌های ادبی در جشنواره امسال کن به همین‌جاختم نمی‌شوند. دیگر اقتباس‌های ادبی جشنواره کن «بی‌قانون» ساخته «جان هیلکات» است که براساس رمانی از «مت بندورات» ساخته شده و همچنین فیلم تحسین‌شده «استخوان و زنگار» ساخته «واک آنودیار» براساس مجموعه داستان کوتاهی از «کریگ دیوید سون» به جشنواره کن آمده است. «جیک میجر» دبیر نشریه معتبر «سایت‌اند ساوند» معتقد است جشنواره کن می‌تواند نقش مهمی در مقابله با موج شدت‌گرفته اقتباس‌های ادبی داشته باشد زیرا او اعتقاد دارد روی آوردن به اقتباس‌های ادبی موضوعی کاملاً تجاری است تا هنری.

روزهای پیش

به گزارش خبرآنلاین، کن روز سوم خود را با نمایش فیلم‌های «ماناگاسکر ۳»، «واقعیت» و «بهشت: عشق» پشت سر گذاشت. کمدی – تراژدی «واقعیت» به کارگردانی ماتیو گارونه، فیلمساز ایتالیایی در بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم کن ۲۰۱۲ در روز جمعه به نمایش درآمد. داستان «واقعیت» درباره یک مافی فروش است که از‌رو دارد در برنامه تلویزیونی «بهران‌بزرگ» شرکت کند. آنیلو آرنّا بازیگر نقش اصلی «واقعیت» فعالیت بازیگری خود را یک دهه پیش در گروه نمایش زنان وولترا آغاز کرد؛ جایی که هنوز در آن زندانی است. گارونه در این مورد گفت: «این واقعیت که آرنّا هنوز زندانی است به او کمک کرد دنیا را به خوبی کشف کند. فکر کنم این فیلم می‌تواند این بار دهم چشمان او ببینید. تجربیات سخت از آن در زندگی به واقعی بودن نقش آفرینی او کمک کرد. شخصیت لوچیولو باید در قالب کسی مجسم می‌شد که کاملاً کر و راست باشد. این جور پینوکیو امروزی.» فیلم «بهشت:عشق» به کارگردانی اولریش سیدل نیز در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن نمایش داده شد. این فیلم تولید مشترک اتریش، آلمان و فرانسه و اولین فیلم سه‌گانه «بهشت» ساخته سیدل درباره سه زن، سه تعطیلات و سه داستان درباره آرزوی رسیدن به خوشبختی در دنیای امروز است. فیلم «زنگ و استخوان» تازه‌ترین اثر «واک اودیارد» از اولین فیلم‌هایی بود که اکران شد و واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت. به گزارش مهر، در این فیلم که «ماربون ووتیارلر» بازیگر سینمایی لایوود نیز در آن به ایفای نقش پرداخته،شوّل‌ترین سال‌ها را تا امروز داشته است. هرچند نمایش این فیلم نتوانست به ذائقه همه منتقدان خوش بیاید. دیوید کالپون از منتقدان و نویسندگان سینمایی این فیلم را وحشتناک و نامربوط خواند و پیتز بردشو از گاردین، فیلم واپسین اودیارد را تکان‌دهنده و تلخ دانست. این در حالی است که منتقدان نیز به دو گروه تقسیم شده بودند و بسیاری فیلم را یک شاهکار و برخی دیگر نیز اثری ضعیف ارزیابی می‌کردند. اودیارد درباره فیلمش گفته به دلیل اینکه پیامبر بسیار مرده بود و محیطی محدود داشت و بیشتر اثر در زندان فیلمبرداری شده بود تلاش کرده تا در فضایی روشن به داستانی عاشقانه بپردازد. همچنین به گزارش کافه سینما نسخه ترمیم‌شده جدیدی از شاهکار ماندگار «هر سچو لئونه»، روزی روزگاری در آمریکا در بخش فیلم‌های کلاسیک کن نمایش داده شد. بازیابی و ترمیم این نسخه توسط موسسه فیلم «مار تین اسکورسیزی» انجام شده است.